

## نقد و بررسی تصحیح تذکره صبح گلشن

امیر ضیغمی\*

سید محمدعلی حسن خان بهوپالی، صبح گلشن، مقدمه، تصحیح، تکمیل و تحشیه مجتبی  
برزآبادی فراهانی، انتشارات اوستا فراهانی، تهران 1390، 3 جلد، 1710 صفحه.

تذکره صبح گلشن تألیف «سید علی حسن خان بهوپالی» در سال 1390 شمسی به  
تصحیح مجتبی برزآبادی فراهانی، از سوی انتشارات اوستا فراهانی در 3 جلد (1710  
صفحه) روانه بازار نشر گردید. این تذکره که پیش از این در سال 1295 ق در بهوپال هند  
در 646 صفحه به طبع سنگی رسیده بود، مشحون از اشتباهات و اغلاط تاریخی است،  
به همین دلیل مصحح محترم به تصریح خود سعی کرده به «خبط و خطاهایی» که به  
این تذکره راه یافته است پایان دهد (ج 1، ص 37) و کار انجام شده بر روی این تذکره را  
«مقدمه، تصحیح، تکمیل و تحشیه» نامیده است، ولی بنابر دلایلی که در ادامه ذکر  
می‌شود خواهیم دید که در نیل به مقصود چندان موفق نبوده است.

---

\*. پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

از جلد کتاب آغاز می‌کنیم؛ بر روی جلد پس از نام و تخلص مؤلف، درون پرانتز تاریخ 1295 ق آمده که تاریخ اتمام تألیف<sup>1</sup> این تذکره است و ممکن است با سال وفات مؤلف اشتباه شود. پشت جلد کتاب نیز نام مؤلف (سلیم بهوپالی) با حروف لاتین به صورت "Salim-e Bahupali" نگاشته شده، در صورتی که آوانگاری صحیح آن چنین است: "Salīm-e Bhupālī". باید توجه داشت که «بهوپال» نام یکی از شهرهای هند است (درباره این شهر، نک: The Imperial Gazetteer of India و V. VIII, P. 142-145) و حرف «به» در این کلمه از حروف مرکب اردوست و تفاوت آن با حرف «ب» در آن است که «به» با شدت بیشتری تلفظ می‌شود و نباید «ه» را حرف مستقلی پنداشت و بهوپال را به صورت Bahupal تلفظ کرد.

فهرست مطالب، پیشگفتار و سخن مصحح 62 صفحه از آغاز کتاب را به خود اختصاص داده است که بهتر بود این صفحات با حروف شماره گذاری شود (مثلاً چهل و دو، پنجاه و چهار و ...) تا استقلال متن کتاب حفظ گردد.

تمامی پیشگفتار کتاب به جز صفحه نخست، به نقل مطالب مرتبط با این تذکره از کتاب‌های تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، الذریعة، تاریخ تذکره‌های فارسی، دانشنامه ادب فارسی (به سرپرستی حسن انوشه) و برخی از تذکره‌ها اختصاص یافته است و جای هرگونه پژوهش تازه‌ای درباره سبک نگارش مؤلف، اغلاط تاریخی و منابع تألیف، در این پیشگفتار خالی است. تنها در بخشی که با عنوان «سخن مصحح» آمده است به نکاتی اشاره شده که آن هم یا تکرار سخنان پیشین است و یا اظهار نظرهایی است که از خطای عاری نیست؛ به عنوان مثال در جلد 1، صفحه 61 کتاب چنین آمده است:

... نویسنده این تذکره هر که باشد باید گفت تذکره‌ای بی‌بدیل خلق کرده است که در نوع خود بی‌نظیر است. تفاوت‌های آشکار صبح گلشن با تذکره‌های دیگر نخست در نوع بیان تذکره است که از انشاء خاصی برخوردار است که بیشتر توضیح داده شد.

در «نوع بیان» مؤلف که به عقیده نگارنده لطف خاصی دیده نمی‌شود و یک اثر کاملاً متوسط است، تازه این در صورتی است که عبارات مصنوع خنکی را که برای بیان

1. تألیف تذکره صبح گلشن در غره ذی‌القعدة 1294 ق آغاز شده و در آخر جمادی‌الاولی 1295 ق به پایان رسیده است (نک: ج 3، ص 1266-1267 چاپ حاضر).

درگذشت شاعران به کار برده است، نادیده بگیریم، عباراتی از این دست:

... در سنه ... از دست تشنه خونی شربت شهادت چشید (ج 1، ص 152  
چاپ حاضر، ذیل انسی) / در اوسط مائه ... تحت الارض گورستان گزید!  
(ج 1، ص 166، ذیل باقر [نجم ثانی] ) / ... از سیلاب آب آتشین کشت حیاتش آبی  
گردیده، آب از سرش گذشت! (ج 1، ص 177، ذیل بایسنقر).

در ادامه می‌نویسد:

تفاوت اساسی صبح گلشن با تذکره‌ها سرگذشت بیش از دو هزار شاعر  
پارسی‌گوی است که تا زمان تألیف صبح گلشن هیچ تذکره‌ای را در این حد  
سراغ نداریم (ج 1، ص 61).

حال آنکه بر اهل فن پوشیده نیست که تذکره عرفات العاشقین (تألیف: 1024-1022ق) علاوه بر تقدم زمانی، از نظر تعداد شاعران (حدود 3500 شاعر) و صحت تراجم، قابل مقایسه با تذکره مزبور نیست. البته اهمیت صبح گلشن را از لحاظ اشتغال بر تراجم شاعران معاصر مؤلف نباید نادیده گرفت.

پیش از آنکه به بررسی متن تذکره بپردازیم، لازم است ابتدا چند مورد کلی درباره تصحیح و تحشیه این تذکره مطرح شود، سپس وارد جزئیات شویم. یکی از مشکلات اساسی که در همان نگاه نخست در تصحیح این متن به چشم می‌خورد بی‌توجهی به نشانه‌گذاری است. امساک که مصحح در این مورد به خرج داده به راستی شگفت‌آور است! در صفحات نخست به تعداد انگشت‌شماری نقطه یا ویرگول برمی‌خوریم که در صفحات بعد از همین تعداد نیز خبری نیست و این مسئله، حاکی از نبود حوصله و وقت کافی برای خواندن متن و نشانه‌گذاری آن است و صد البته ترس از خطا! یکی از مواردی که رعایت آن در تصحیح متون ضرورت دارد، یکسان‌سازی رسم‌الخط و نشانه‌گذاری متن است، البته اشاره به اغلاط و اشتباهات تاریخی خود مزیتی است بررسی.

نکته بعدی که به نظر راقم این سطور از مهمترین مشکلات این کتاب به شمار می‌آید، قسمتی است که با عنوان «پانوش» در پایان تراجم آمده است و مصحح در آن با ارجاع خواننده به منابعی که برخی از آنها را خود هرگز ندیده، حجم کتاب را به حداقل دو برابر افزایش داده است. البته مقصود از ندیدن منابع، ارجاع کور یا غلط نیست، بلکه

منظور نقل این منابع از *دانشنامه ادب فارسی* (به سرپرستی حسن انوشه) و فرهنگ سخنوران و کاروان هند است بدون آنکه هدف خاصی را دنبال کند و اصلاً با وجود منابع تخصصی در این زمینه - مانند دانشنامه‌ها و یا همان فرهنگ سخنوران - به این‌گونه ارجاعات چه نیازی است و تازه وقتی مشکل جدی‌تر می‌شود که بدانیم کتاب فاقد فهرست منابع و مآخذ است! و به عنوان مثال هنگامی که خواننده ذیل ترجمه «تسلی شیرازی» (ج 1، ص 235) با ارجاع «صحف /براهیم، 71» روبه‌رو می‌شود هرگز متوجه نخواهد شد که منظور چاپ «عابد رضا بیدار» است یا چاپ «میرهاشم محدث» و یا اصلاً نسخه خطی کتابخانه توپینگن! و هیچ راهی ندارد به جز مراجعه به همان فرهنگ سخنوران یا *دانشنامه ادب فارسی*، مگر آنکه سابقه ذهنی داشته باشد و در اثر مراجعه مداوم به کتب مزبور محلّ ارجاع (منظور مصحح) را در یابد. در مواردی هم که با یک ارجاع ساده می‌توانست حق مطلب را ادا کند به نقل قول‌های طولانی از مآخذ مورد نظر پرداخته است، به عنوان مثال در جلد دوم، ذیل مخفی هندوستانی، 10 صفحه (ص 843-853) از کتاب کاروان هند نقل قول کرده و حتی پاورقی‌ها را نیز عیناً آورده است، در صورتی که شایسته بود به ذکر اهمّ مطالب و در صورت لزوم، ارجاع به صفحات مورد نظر بسنده شود.

از طرفی با آنکه مصحح برای استخراج منابع به *دانشنامه ادب فارسی* و یا کاروان هند مراجعه کرده و این کتاب‌ها را پیش چشم داشته است، درباره اصلاح اغلاط تاریخی تذکره صبح گلشن کمتر کوششی کرده است. در صورتی که با اندکی دقت در مآخذ مزبور می‌توانست بسیاری از این مشکلات را مرتفع سازد و در پانویشت به آنها اشاره کند. به عنوان مثال مؤلف صبح گلشن، سال عزیمت اوحدی بلیانی (مؤلف *عرفات العاشقین*) را به هند 1005 ق ذکر کرده است (نک: ج 1، ص 242 چاپ حاضر). در حالی که وی در سال 1015 ق به هندوستان سفر کرده و در اواخر همین سال به لاهور رسیده است (نک: گلچین معانی، ج 2، ص 238-239) و سال 1005 ق سال عزیمت وی به عتبات عالیات است. در ادامه نیز سال وفات اوحدی را به پیروی بعضی از تذکره‌نویسان 1030 ق ضبط کرده (نک: ج 1، ص 243)، در صورتی که می‌دانیم وی تا سال 1040 ق در قید حیات بوده است (برای آگاهی بیشتر، نک: گلچین معانی، ج 2، ص 239). مصحح به هیچ یک از این اغلاط تاریخی

اشاره نکرده و تنها در پانوشت بدون هیچ گونه توضیحی سال 1042ق را آورده است. علاوه بر این گویا وی دربارهٔ منابعی که از آنها استفاده کرده اطلاعات چندانی نداشته است، به عنوان مثال دربارهٔ *دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی* (به سرپرستی حسن انوشه) می‌نویسد:

در دانشنامهٔ ادب فارسی (ادب فارسی در آسیای میانه) که به سرپرستی استاد دانشمند دکتر حسن انوشه تألیف گردیده و در سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در 6 مجلد (8 جلدی) تهران 1380 چاپ شده، در تصحیح و تحشیهٔ این تذکره از این مجموعهٔ عالی سود فراوان برده‌ام (ج 1، ص 48).

در جملات مغشوش بالا خطاهایی به چشم می‌خورد؛ نخست اینکه تنها جلد اول دانشنامهٔ مزبور به ادب فارسی در آسیای میانه اختصاص دارد، جلد دوم، فرهنگنامهٔ ادبی است، جلد سوم، ادب فارسی در افغانستان و... دیگر اینکه این «مجموعهٔ عالی» 7 جلدی است و در 9 مجلد منتشر شده است، نه 6 مجلد (8 جلدی) و جلد هفتم به ادب فارسی در جهان عرب اختصاص دارد.

و اما موارد ارجحیت چاپ حاضر نسبت به چاپ بهوپال؛ مصحح 126 صفحه از جلد سوم چاپ حاضر را به فهرست آیات، احادیث، ادیان، خاندان‌ها، سلسله‌ها، اصطلاحات گوناگون و... اختصاص داده است که بسیار راهگشاست و ارزش آن بر هیچ پژوهشگری پوشیده نیست. پس از آن نوبت به کشف الابیات می‌رسد که از نظر بررسی انتساب اشعار به شاعران گوناگون ارزشمند است و پژوهشگر می‌تواند به سهولت صحت انتساب یک شعر را به شاعر مورد نظر بررسی نماید. در پایان جلد سوم نیز فرهنگ‌نامه‌ای گنجانده شده که بیشتر با تکیه بر *لغت‌نامهٔ دهخدا*، فرهنگ معین و فرهنگ سخن به معنا کردن لغات و اصطلاحات پرداخته است. مشکلی که در این قسمت به چشم می‌خورد پرداختن به لغاتی است که معانی آنها برای مراجعه‌کنندگان به این تذکره اظهر من الشمس است. به بعضی از این لغات توجه کنید: آبا، آب بقاء، آتشناک، آبله، اصحاب، بریان، بود (وجود)، تاک، حج، حمد، حور، خاور، سمور، غسل، غیور، گنبد، نقاب، نکات و ...

اکنون بپردازیم به اغلاطی که به متن این تذکره راه یافته است: البته تذکار چند

نکته ضروری است؛ نخست اینکه سعی شده از ذکر اغلاط مطبعی واضح - که در این چاپ کم نیست - حتی‌المقدور اجتناب گردد، مگر جایی که ضرورت ایجاب کرده است. دیگر اینکه ارجاع به چاپ حاضر با ذکر شماره جلد و صفحه مشخص شده و هر جا که چاپ بهوپال مورد نظر بوده، درون پرانتز اشاره شده است. در مواردی هم ضبط صحیح از «صحت نامه»<sup>2</sup> چاپ بهوپال برگزیده شده است.<sup>3</sup>

### اغلاط تاریخی

ج 1، ص 72، ذیل آصف: ... در سنه خمسین و مائة و الف در همان تعزیه خانه به سردابه گور آسود. عبارت «خمسین و مائة» در صحت نامه چاپ بهوپال (ص 8) به «ثنتا عشر و مأتین» اصلاح شده است، ولی مصحح محترم اصلاح مذکور را اعمال نکرده است، در صورتی که تاریخ وفات آصف‌الدوله با توجه به ماده تاریخی که بر سنگ قبر وی نقر شده 1212 ق است (نک: «آصف‌الدوله»، ج 1، ص 427).

ج 1، ص 78، ذیل ابن حسام [خوسفی قهستانی]: ... در سنه هفتصد و هفتاد و پنج، حسام اجل او را به خاک غلطانید.

در چاپ بهوپال «هشصد (نه هشتصد) و هفتاد و پنج» ضبط شده (ص 8، س 19)، ولی در صحت‌نامه چاپ مزبور (ص 8) «هشصد» به «هفتصد» اصلاح شده است. مصحح این اصلاح را وارد متن کرده و به این تغییر اشاره هم نکرده است. در صورتی که تاریخ وفات ابن حسام همان 875 ق (یا 873 ق) است و خود مصحح هم در پانویشت (ج 1، ص 79) همین تاریخ 875 ق را آورده است.

ج 1، ص 190، ذیل بسحاق اطعمه: ... در سنه ششصد و بیست و هفت از سر خوان سرای فانی برخاست.

---

2. «صحت نامه» بخشی از صفحات افزوده در پایان چاپ بهوپال است که به تصحیح اغلاط راه‌یافته در متن پرداخته، شماره‌گذاری این صفحات، مستقل از متن تذکره است.

3. منظور از «چاپ بهوپال» و «صحت نامه» که در ارجاعات درون متن آمده، همان تذکره صبح گلشن چاپ بهوپال است که در منابع، این‌گونه معرفی شده است: سلیم، سید علی حسن بهوپالی، تذکره صبح گلشن، به اهتمام محمد عبدالمجید خان، بهوپال 1295 ق. برای اجتناب از طولانی شدن ارجاعات این روش اختیار شد.

**صورت درست:** هشتصد (چاپ بهوپال، ص 63، س 7-8). مصحح «هشتصد» را به «ششصد» بدل کرده و در پانوش (ج 1، ص 191) به نقل از *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* (ذیل بسحاق اطعمه) تاریخ 840 ق را برای درگذشت این شاعر آورده است.

ج 1، ص 249، ذیل تمّنا [عظیم آبادی]: ... پایان سنهٔ یکهزار و صد و سی و دو از این بزم فانی دل برداشت.

**صورت درست:** دو صد (چاپ بهوپال، ص 91، س 21).

### تغییر و تخلیط نام شاعران

ج 1، ص 279، ذیل جناب [خوارانی اصفهانی]: ... اصلش از موضع *خوزان* من توابع اصفهان است. «خوزان» در چاپ بهوپال (ص 107، س 8) «خواران» آمده و در صحت‌نامه (ص 9) به «خوران» اصلاح شده است. مصحح آن را به خوزان تبدیل کرده، ولی در مقابل نام شاعر و درون قلاب «خوارانی اصفهانی» آورده است. در پانوش نیز به نقل از منابع گوناگون جایی «خواران» و در جای دیگر «خوران» آورده است. خلاصه اینکه مشخص نیست، مصحح کدام ضبط را ارجح دانسته و به شیوهٔ معهود خود اشاره‌ای هم به این مطلب نکرده است. البته در اینکه صورت صحیح این کلمه همان خوزان است، شکی نیست و در بسیاری از تذکره‌ها نیز به همین صورت ضبط شده است (به عنوان نمونه، نک: واله داغستانی، ج 1، ص 538) و گویا این قریه آباد کردهٔ پهلوانی است به همین نام (دهخدا، ذیل خوزان)، ایراد این جاست که مصحح هیچ اشاره‌ای به تصرف در متن نکرده است.

ج 1، ص 415، ذیل رفیع [لبنانی]: رفیع الدین مسعود از خوش خیالان *لبنان* است و *لبنان* اکنون معروف به عباس آباد از اعمال اصفهان ...

**صورت درست:** لبنان. مصحح نه تنها خطای چاپ بهوپال (لبنان) را اصلاح نکرده، بلکه آن را مشکول کرده و به صورت مغلوپتری درآورده است.

ج 1، ص 494، ذیل شریف [قاضی محمد شریف فارسی]: قاضی محمد شریف خلف عبدالصمد خان مصور ...

در صحت‌نامه (ص 9) به جای «قاضی»، «فارسی» آمده و صواب همین است. مصحح به

صحت‌نامه اعتنایی نکرده و همان قاضی را آورده است. ولی با کمال تعجب در عنوان این مدخل مقابل نام شریف و درون قلاب «قاضی محمد شریف فارسی» ضبط کرده است. گویا قصد داشته صورت کامل‌تری از نام این شاعر به دست دهد! در صورتی که در فرهنگ سخنوران (خیامپور، ج 2، ص 503) نیز که مورد رجوع مصحح بوده، نام این شاعر «شریف فارسی» است. گلچین معانی هم در کتاب کاروان هند (ج 1، ص 48، پاورقی) این شاعر را «محمد شریف» متخلص به «فارسی» و «شریف فارسی» معرفی کرده است.

ج 1، ص 499، ذیل شفیقی [گیلانی]: شفیقی از خوش‌فکران گیلان بود. صورت درست: شفیقی (صحت‌نامه، ص 10). باز هم به صحت‌نامه توجهی نکرده و همان خطای چاپ بهوپال را تکرار کرده است. جالب اینجاست که در پانویست به فرهنگ سخنوران هم ارجاع داده و این در حالی است که در آنجا هم صحبت از «شفیقی گیلانی» است، نه «شفیقی گیلانی»!

ج 1، ص 543، ذیل صدقی [صدوی - استرآبادی - کاشانی - سلطان محمد]: [صدوی] در اصل استرآبادی است ...

در صحت‌نامه (ص 10) به جای «صدوی»، «صدفی» آمده است، که هر دو اشتباه است و صورت صحیح آن صدقی است. مصحح متوجه این اشتباه شده ولی از آنجایی که روشمند عمل نکرده، خود مرتکب اشتباهات دیگری شده است. نخست اینکه در عنوان مدخل چنین آورده است: «صدقی [صدوی - استرآبادی - کاشانی - سلطان محمد]»، که خواننده را گمراه می‌سازد. دیگر اینکه صدوی را درون قلاب قرار داده است بدون آنکه در این‌باره توضیحی دهد. در تمام این موارد لازم بود در پاورقی به این تغییرات اشاره شود.

ج 1، ص 561، ذیل طارمی [میر دوست - میرعلی - بابادوست]: طارمی، میرعلی از عالی‌طبعان خطه طارم است.

نام این شاعر در چاپ بهوپال (ص 260، س 10) «میردوست» آمده و در صحت‌نامه (ص 10) به «میرعلی» تصحیح شده است. ولی باید دانست که صورت درست آن «بابادوست» است. همایون پادشاه و ابوالفضل علّامی از وی با همین نام یاد کرده‌اند، ولی امین احمد رازی و به تبع او تذکره‌های بعدی نامش را میردوست ضبط کرده‌اند.

همان‌طور که گلچین معانی مرقوم داشته شعر همایون پادشاه و ضبط اکبرنامه برای ما حجت است (برای آگاهی بیشتر، نک: گلچین معانی، ج 1، ص 757). مصحح بدون کوچکترین دقتی ضبط مغلوط صحت‌نامه را وارد متن کرده و در عنوان مدخل چنین آورده است: طارمی [میردوست - میرعلی - بابادوست]. با کمال شگفتی در پانویشت مجدداً نام شاعر را «میردوست» ذکر کرده و در ادامه به نقل از *کاروان هند* به نام «بابادوست» اشاره کرده است! خلاصه آنکه در گمراه کردن خواننده از هیچ کوششی فروگذار نکرده است!

ج 2، ص 580، ذیل عارف [ایگی - سراج الدین]: عارف ایجی [متن: ریجی] از پرگویان مشاعر است.

در اینجا مصحح بر خلاف شیوه معهود خویش در تصحیح این تذکره، پس از تصرف در متن، ضبط چاپ بهوپال را در قلاب گذاشته است، تا به این وسیله خواننده را از دخل و تصرف در متن آگاه سازد، ولی در این مورد نیز از خطا مصون نمانده و به جای «ریجی» که در چاپ بهوپال آمده (ص 267، س 6) «ریجی» آورده است.

### کژخوانی‌ها و تصرفات نادرست

مصحح در برخی موارد، به سبب کژخوانی یا بی‌دقتی در متن چاپ بهوپال تصرف کرده است، البته برخی از این موارد ممکن است غلط مطبعی باشد، ولی به هر حال مسئولیت آن به عهده مصحح است:

ج 1، ص 95، ذیل احسن [سید احسن الله دهلوی]: ... به اعزاز و اکرامش کوشیده، بادی گرم جوشید. صورت درست: با وی گرم جوشید (چاپ بهوپال، ص 17، س 3).

ج 1، ص 100، ذیل اختر [کهنوی]: در سنه ... بر صدر دارا سربر آرایی فرموده بود. صورت درست: بر صدر دارایی ... (همان، ص 20، س 7).

ج 1، ص 100، ذیل اختر [کهنوی]: دواوین بسته و مثنویات متعدده از تصنیفات آن خاتم السلاطین است.

صورت درست: دواوین سته (همان، ص 20، س 9).

ج 1، ص 104، ذیل اخی [شیخ غلام محمد بلگرامی]: تکمه از سخت دلم هست گریبان ترا

**صورت درست:** لخت دلم (همان، ص 22، س 1).

ج 1، ص 163، ذیل بابر [تیموری - گورکان]: این بابر غیر از ظهیرالدین محمد ... از احفاد صاحب قرآنی است.

**صورت درست:** صاحب قرانی (همان، ص 49، س 13-14).

ج 1، ص 187، ذیل برق [هندوستانی - بنگاله‌ای]: ز حشر جلوه چینی نژاد آن قمر سیما  
**صورت درست:** چینی نژادان (همان، ص 61، س 13). با توجه به اینکه در مصرع دوم هم  
صحبت از «بزم فغفور» است، همین ضبط صحیح است.

ج 2، ص 655، ذیل فارغ اگر - مراد آبادی هندی - فداعلی: محک شهامت و سطوت نیر موهبت و  
صفوت = 1295

عبارت بالا را باید به دو قسمت تقسیم کرد که از هر قسمت آن مستقلاً تاریخ 1295  
حاصل می‌شود: محک شهامت و سطوت = 1295 / نیر موهبت و صفوت = 1295 (نک:  
چاپ بهوپال، ص 304-305). عبارات فوق ماده تاریخ‌هایی است که «فارغ مرادآبادی» برای  
سال وصول نسخه تذکره شمع/نجمن ساخته است. این عبارات مندرج در مکتوبی است  
که از هر فقره آن تاریخ 1295 ق به دست می‌آید.

ج 2، ص 661، ذیل فانی [کشمیری - محمد محسن - محمد حسن]: ملّا طاهر غنی و حاجی محمد  
اسلم ... به طفیل شاگردی وی در سخن‌سرایی به رتبه اوستاد می‌رسیدند.  
**صورت درست:** اوستادی رسیدند (همان، ص 308، س 4).

ج 2، ص 942، ذیل مقصود [لکهنوی - مقصود عالم]:  
مقصود زد ندا ز نجف عیسی سروش صد سال مژده با اسدالله غالب است = 1269

مصتّح گویا به دلیل ناخوانا بودن چاپ بهوپال دچار بدخوانی شده و 1869 را 1269  
خوانده است. 1869 تاریخ میلادی وفات غالب است و با تاریخ قمری مرگ او (1285) -  
که اتفاقاً در قطعه دیگری از این شاعر و در همین صفحه آمده است - مطابقت می‌کند.

ج 2، ص 1125، ذیل نواب [سید محمد صدیق حسن خان...]: ... بحر ذخّار علم و حکمت، بر مدار  
نظم و نسق ملک و ملک ...

**صورت درست:** بحر زخّار / ابر مدار (همان، ص 540، س 20).

ج3، ص1269، س1-2: طریقه استخراج این است که ... هر خانه را که خواهند مبدأ قرار دهند...  
صورت درست: خانه‌ای (همان، ص624، س1).

ج3، ص1269، س20-21: و اینک هنگامه آرای همایون نگار یوسف ادا از محمل پیرای هنر، سر  
حلقه کاردانی که طالبان فنون را در بزم تألیف او جایی ...  
صورت درست: محمل پیرایی / کاروانی (همان، ص625، س1). علاوه بر این، عبارت  
فوق که در واقع ماده تاریخ اتمام تألیف تذکره صبح گلشن است در چاپ بهوپال به دو  
فقره تقسیم شده که از هر فقره آن تاریخ 1295 به دست می‌آید. به همین دلیل پس از  
«کاروانی» علامت «+» آمده تا مرز بین این دو ماده تاریخ مشخص گردد ولی در چاپ  
حاضر این علامت درج نشده است.

ج3، ص1281، س15: دل او بر آن دل دل کندگان بلرزید در دم آستین همت مالیده ...  
صورت درست: دل دل کندگان (همان، ص640، س1).

ج3، ص1282، س12-14:

مایه دیوانگی زلف چلیپایی او	خواجه فرزانگی هندوی سودایی او
نکتهت گیسوی او تندی بوی جنون	نافه خال پری آهوی صحرائی او
چاشنی یک گزک بوی کباب دلم	نشئه سرشار حسن باده مینایی او

صورت درست: چلیپای / سودای / صحرای / مینای (همان، ص641، س6-8). در چاپ  
بهوپال بالای «ی»، «ء» آمده و مصحح را - با توجه به ذهنیتی که از رسم الخط این کتاب  
داشته - به این گمان افکنده است که باید «یی» خوانده شود.

### بی توجهی به صحت‌نامه

بسیاری از اشتباهات چاپ بهوپال - که به برخی از آنها ذیل عناوین پیشین اشاره  
شد - در صحت‌نامه پایان کتاب اصلاح شده است، ولی مصحح در اغلب موارد بی توجهی از  
کنار آنها گذشته، از آن جمله است:

ج1، ص98، ذیل احمد [احمد خان گیلانی]: مگس بوی کباب دل شمید از آتش آهم  
این مصرع در چاپ بهوپال (ص18، س10) به همین صورت آمده است و همان‌طور که

پیداست معنای محصلی ندارد، ولی در صحت‌نامه (ص 8) واژه «مگس» به «سگش» اصلاح شده است.

ج 1، ص 106، ذیل اسد شوشتری:

گردند به گرد سرش از بس که اسیران شمعی است مه من که به فانوس خیال است  
در صحت‌نامه (ص 8) به جای «اسیران»، «عزیزان» جایگزین شده، البته نمی‌توان گفت  
ضبط دوم مرجح است، اما شایسته بود در پاورقی به این موضوع اشاره شود.

ج 1، ص 201، ذیل بهار ادهلوی:

جانب او دل به بال اضطرارم می‌پرد ذره‌ام بی طاقتی تا آفتابم می‌پرد  
**صورت درست:** می‌برد (صحت‌نامه، ص 8).

ج 1، ص 371، ذیل داعی انجدانی:

گفتند به رندی که چرا مجنونی گفتا زان رو که حلقه‌ها پیش شماست  
**صورت درست:** عقل‌ها (همان، ص 9).

ج 1، ص 380، ذیل دوست [کشمیری]:

بلاست از تو به ما هر زمان جفای دگر جفا که بر دل ما می‌کنی بلای دگر  
**صورت درست:** دگران (همان، ص 9).

ج 1، ص 489، ذیل شاه [محمد دارابی]:

زحمت و واماندگی را پیرو در منزل است زشتی اعمال ما در این جهان معلوم نیست  
**صورت درست:** راهرو را زحمت و واماندگی (همان، ص 9).

ج 1، ص 492، ذیل شراری: ... از آه شرربارش خرمن جمعیت در بردباری.

در صحت‌نامه (ص 9) پس از «جمعیت» واژه «دل» اضافه شده است. از طرفی در چاپ  
بهوپال (ص 222، س 11) به جای «بردباری»، «بر بادی» آمده است که گرچه معنای زیبایی  
ندارد، ولی پذیرفتنی‌تر است.

ج 1، ص 517، ذیل شهودی [میرحسین رمال اصفهانی]: ... اکثر احکام رمیل‌ه‌اش با واقع انطباق و  
عمرش در عشق بازی به پایان رسید...

**صورت درست:** انطباق می‌گزید. در چاپ بهوپال (ص 239، س 3) «انطباق می‌گیرند»

آمده و در صحت‌نامه (ص 10) «می‌گیرند» به «می‌گزید» اصلاح شده است. ولی مصحح به هیچ یک از دو ضبط اعتنایی نکرده است.

ج 1، ص 559، ذیل ضیاء [ملتانى - محمد على]: ... تا سنه یکهزار و بیست و چهار در اکبرآباد به عیش می‌پرداخت.

صورت درست: تعیش (صحت‌نامه، ص 10). در چاپ بهوپال (ص 260، س 6) صورت نادرست «تبعیش» آمده که در صحت‌نامه اصلاح شده است. «عیش» اشتباه مصحح است.

ج 2، ص 696، ذیل قادر [مشهدی - وزیر خان]: قادر، وزیر خان ابن محمد طاهر خان مشهدی ... صورت درست: وزیر محمد خان (صحت‌نامه، ص 10).

## افتادگی‌ها

ج 1، ص 19، ذیل بشیر [لکهنوی]: در چاپ بهوپال در حاشیه این صفحه (ص 66) چنین آمده است: «قصاید ایشان که در مدح پدر والا گهر - دام مجده - و اهل بیت جناب ممدوح، اعنی جناب مستطاب معلى القاب، نواب شاهجهان بیگم صاحبه، والیه بهوپال - دام اقبالها - است، در اواخر رسائل حضرت والد ماجد - مد ظلّه - مطبوع گشته».

مصحح محترم، مطلب فوق را نادیده گرفته و اشاره‌ای به آن نکرده است. در صورتی که شایسته بود این مطلب در پاورقی آورده شود.

ج 2، ص 681، ذیل فغان [شاهجهان آبادی...]:  
صدای ناله ... از در و دیوار زطاق ابروی او شیشه دل افتاده است  
صورت درست: صدای ناله بلند است ... (چاپ بهوپال، ص 318، س 16).

ج 2، ص 710، ذیل قصاب [کاشانی - سعید]: بین ابیات هفتم و هشتم یک بیت جا افتاده است (نک: چاپ بهوپال، ص 332، س 14):

تا قیامت زنده در گور است مانند نگین هر که در دنیا به قید نام و ننگ افتاده است

## سایر اشتباهات

ج 1، ص 164، ذیل باسطی [دهلوی - بنده علی خان]: هنگام هنگامه حرج و مرج ... از شاهجهان آباد به لکهنو شتافت.

**صورت درست:** هرج. «هرج و مرج» ترکیب عطفی مشهوری است، به معنای آشوب و فتنه. واژه «حرج» معانی دیگری دارد و استعمال آن در این ترکیب اشتباه مسلم است.

ج 2، ص 611، ذیل عزیز [تفضل حسین لکهنویی]: به توجه حکام انگلیسی ... به عهده جلیل امارت انشاء و رزیدنسی می‌رسد.

**صورت اصلی:** انگلشیه (همان، ص 283، س 15). مصحح، صورت «انگلشیه» را که ناشی از تلفظ این واژه است، به دلخواه خود تغییر داده و اشاره‌ای هم به آن نکرده است.

ج 2، ص 701، ذیل قاسمی [خوافی]:

چون مهره حقه باز هر حرفی که شنید در گوش نهاد و از دهن بیرون کرد

**صورت درست:** «هر» زاید است.

ج 2، ص 826 (ذیل محمود شبستری): ... از لایمان و واعظان عقده نگشاد و ناگاه جذبۀ از جذبات معشوق حقیقی در رسید.

**صورت درست:** عقده‌ای / جذبۀ‌ای. در چاپ حاضر در کلمه‌های مختوم به های مختلفی «همزه» به «ای» تبدیل شده، ولی در اینجا این قاعده رعایت نشده است.

ج 2، ص 1110، ذیل نعمت الله [شاه نعمت الله ولی کرمانی]:

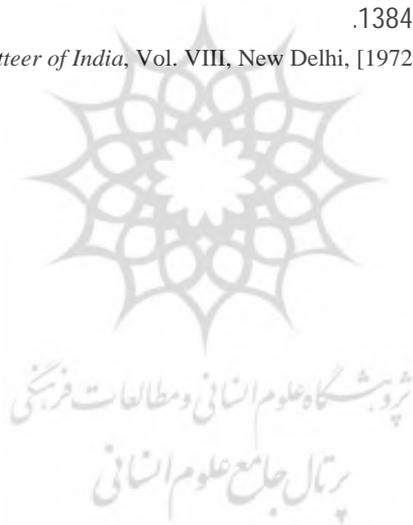
آن لحظه که جان در تتق عیب نهان بود در دیده ما نقش خیال تو عیان بود

**صورت درست:** غیب. البته در چاپ بهوپال (ص 435، س 4) هم عیب آمده که بی‌گمان اشتباه چاپی است. این بیت از ابیات مشهور شاه نعمت الله ولی است.

گمان می‌کنم همین مقدار در نشان دادن کیفیت چاپ حاضر بسنده باشد و بی‌انصافی نیست اگر بگوییم مصحح به جای تصحیح، متن را «تضییع» کرده است. البته هیچ تصحیح یا تألیفی نیست که به رغم تلاش‌های مصحح یا مؤلف آن از سهو و خطا یکسره برکنار باشد، اما کثرت اغلاط و اشتباهات با روح کار علمی در تضاد است و هرگز پذیرفتنی نیست. به هر روی استفاده از این چاپ بدون مراجعه به چاپ بهوپال از خطا عاری نیست و این یعنی دوباره‌کاری.

منابع:

- «آصف‌الدوله»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد 1، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، 1374.
- خیامپور، عبدالرسول، فرهنگ سخنوران، انتشارات طلایه، تهران، 1368.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1377.
- سلیم، سیدعلی حسن بهوپالی، تذکره صبح گلشن، به اهتمام محمد عبدالمجید خان، بهوپال، 1295ق.
- \_\_\_\_\_، تذکره صبح گلشن، مقدمه، تصحیح، تکمیل و تحشیه مجتبی برزآبادی فراهانی، انتشارات اوستا فراهانی، تهران، 1390.
- گلچین معانی، احمد، کاروان هند، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، 1369.
- واله داغستانی، علیقلی، ریاض الشعراء، مقدمه، تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر، تهران، 1384.
- *The Imperial Gazetteer of India, Vol. VIII, New Delhi, [1972?].*





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی